

تکلیف نظام آفرینش و اسلام در وक्त مادرى به كمال زن

نفسه دىونى - پژوهشگر

علیرغم اینکه، ظاهراً ارتباطی با نقش زن به عنوان مادر ندارد، لیکن با توجه به آنچه که گفته شد، می‌تواند چهره دیگر از مادری زن و تصویری نهفته و پنهان از او را بنمایاند که مستلزم اندکی درایت و تعمق است.

در طول این مباحث در کنار پرده برداشتن از این چهره پنهانی زن بررسی تطبیقی خود را ادامه داده و مساعدت اسلام را در جهت توفیق یافتن زن در ایفای هر چه بهتر این مسؤولیتهای سازنده آشکار می‌کنیم.

در پایان با تصویر سومی برخورد کرده‌ایم که حکایت از علو مقام مادری زن دارد، زیرا علت و انگیزه مهبط وحی و مورد خطاب خداوند قرارگرفتن او می‌شود.

۱ - اساس ریشه و اصل ۲ - زاینده بشر ۳ - نمونه و اسوه بودن ۴ - علت و انگیزه مهبط وحی قرارگرفتن زن.

از مجموع این کاربردها به یک تقسیم بندی خاص دست یافته‌ایم که نشانگر چهره های متفاوت (زن بعنوان مادر) در هستی است. تقسیم بندی مذکور اساس تبویب بحث را برای ما مشخص کرد به نحوی که دریافتیم زن بعنوان مادر دارای دو چهره است. چهره سازنده اجسام و ابدان و چهره سازنده ارواح و نفوس.

چهره نخست او را در قالب مادر زاینده بشر می‌یابیم و در همین بخش به بررسی احکام و حقوق اسلامی در رابطه با مسائل ویژه این نقش از جمله مدت حمل و حق ارضاع، حق حضانت و غیره اشاره خواهیم داشت و در بررسی تطبیقی خود و مقایسه احکام اسلام با دیگر مکاتب تفوق آنها را در به کمال رساندن زن مشخص می‌کنیم.

چهره دوم او بعنوان عامل سازنده روح و جان افراد (در قالب دختر، خواهر، همسر و زنان فعال در عرصه جامعه)،

موضوع بحثی که در پیش رو دارید کوششی است در جهت شناساندن چهره زن به عنوان مادر در نظام آفرینش و بررسی تطبیقی آن در ادیان و فرهنگهای ملل. هدف از طرح بحث آشکار کردن نقش زن است به عنوان مادر. لیکن نه تنها نقش ظاهری او، بلکه نقش مادری نهفته و پنهان او و در این رابطه احکام و حقوق اسلامی خاص مادر و اثبات تفوق آن احکام بر دیگر قوانین و حقوق ساخته و پرداخته ذهن بشری نیز آورده شده است. روش و اسلوب ادامه بحث عبارت است از بررسی آیات، روایات و نمونه‌های تاریخی و ادبی و احکام و قوانین دیگر ادیان و ملل و شرح و تفسیر و مقایسه آنها با یکدیگر. مقایسه‌ای در جهت بررسی چهره زن بعنوان مادر در اسلام از یکسو و دیگر ادیان توحیدی تحریف شده و مکاتب بشری و آداب و رسوم ضد انسانی برخی از ملل از سوی دیگر بنا بر اقتباسی از قرآن و روایات.

ابتدا به کاربردهای لفظ (ام) در قرآن می‌پردازیم که عبارتند از:



«بخش اول»

«اقتباس از کاربردهای لفظ ام در قرآن»

الف - لفظ (ام) در قرآن

کلام را با نگرشی گذرا بر کاربردهای متفاوت لفظ (ام) و واژه‌های مترادف آن مانند (والده) یا جمع آن دو لفظ همچون (امهات) و (والدات) در قرآن آغاز می‌کنیم، تا سرآغازی متمین و متبذک و راهگشا باشد بر آنچه که در پیش رو داریم. در این بررسی با کاربردهای مختلف و متعددی روبرو می‌شویم که می‌توان تمامی آنان را در چند بخش عمده جای داد:

کاربرد نخست :

استعمال لفظ (ام) در معنای لغویش یعنی (اساس و پایه)^(۱) در عباراتی مانند ام القرى^(۲) : مکه مکرمه ، ام الكتاب^(۳) : محکمات قرآن ، امه هاویه^(۴) مسکن اصلی و جاویدان .

این معانی بطور تلویحی بر معنای واحد و مشترکی در میان خود اشاره دارند یعنی اساس پایه و مرکز ، مفهومی که در کتب تفسیری و لغوی بوضوح در ریشه و بنا و وجه تسمیه تمام استعمالات دیگر در مد نظر قرار گرفته‌اند.^(۵)

دومین کاربرد:

استعمال لفظ (ام) در معنای حقیقی اش (مادر زاینده طفل)^(۶) با واژه‌هایی مانند (ام) ، (امهات)^(۷) ، (والدة)^(۸) ، (والدات) دیده می‌شود که در آنها از مادر و نقش و وظایف و حقوق مرتبط با او بعنوان زن زاینده اولاد یاد شده است . در این مجموعه با موضوعاتی همچون (حمل)^(۹) ،

۱- ام الشيء: اصل آن

رئیس القوم :المهم

ام النجوم :المجرّة (کهکشان)

ام الطريق :معظم الطريق (بیشترراه و اصل آن)

ام الدماغ:الجلدة التي تجمع الدماغ: (پوسته‌ای که

مغز را در خود جای می‌دهد).

ام الرأس نیز به آن گفته می‌شود.

(المختار من صحاح اللغة - داراحیاء التراث

العربی - بیروت لبنان

۲- وام القرى که به مکه معظمه گفته می‌شود از

آن جهت است که مرکز آبادیهای حجاز بوده

است . راغب می‌گوید: چون زمین از زیر آن

گسترده شده است . «ولتندز ام القرى»: ۹۲ ،

(قاموس قرآن جلد ۱ - ام)

۳- آیات محکمات هنّ ام الكتاب :

(آل عمران - ۷) آیات محکم و واضح الدلالة از

آن جهت ام الكتاب نامیده شده‌اند که ریشه و

پایه کتابند

(قاموس قرآن جلد اول - ص ۱۱۳)

۴- و قوله تعالى : «واما من خفت موازینه فأمته

هاویه» (و اما هر که میزانهای او سبک شده ،

مسکن و فرارگاه او هاویه است) . طبرسی

می‌فرماید: به جهنم از آن سبب (ام) گفته می‌شود

که آدمی در آن جای می‌گیرد چنانکه در کنار

مادرش . (همان منبع)

۵- ام مشترک معنوی است و معنی جامع آن همان اصل و پایه است ، و استعمال آن در مادرحقیقی بقدری شهرت دارد که احتمال داده می‌شود، در مادر حقیقت و در معانی دیگر مجاز است . (همان منبع)

۶- در آیاتی مانند:

«والله اخرجکم من بطون امهاتکم لانهلمون شیئاً»

(و خداوند بیرون آورد شما را از شکم مادرانتان

در حالیکه چیزی نمی‌دانستید (۷۸/۱۶)

«ان امهاتهم الا اللائى ولدنهم» (مادرانشان

نیستند جز کسانیکه آنان را زاییدند) (۲/۵۸)

«حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم» (حرام گشته

است بر شما مادر و دخترانتان) (۲۳/۴)

۷- اصل ام : امهه است زیرا در جمع آن گویند

امهات و گویند اصل آن از مضاعف (اسم) بوده

است . و بعضی گویند امات اکثراً در بهائم و

امهات در انسان بکار می‌رود.

(قاموس قرآن جلد اول - ۱۱۳)

۸- در آیاتی همچون : «والذی قال لوالدیه آف

لکما) ۱۷/۴۶

(وکسی که به پدر و مادرش گفت آه از دست شما)

(ربنا اغفرلی ولوالدئ و للمؤمنین یوم یقوم

الحساب) ۴۱:۱۴

(پروردگارا ببخش بر من و پدر و مادرم و مؤمنان

در روز قیامت)

۹-در رابطه بامسئله حمل مطالب اخلاقی و

فقهی گوناگونی وارد گشته است که مختصراً ذکر

می‌شود مطالبی از قبیل : فضیلت زن حامله ،

استحباب اختیار زن بچه آر در ذکر آن بعنوان

یکی از فواید نکاح و بدست آوردن فرزند صالح ،

مدت حمل : عدّه حامله ، دبه طفل در شکم ،

نحوه اجرای حدود ، دبه جنین ، نسب اولاد و غیره

(ارضاع) ^(۱)، (حضانت) ^(۲) (ارث) و دیگر حقوق و وظایف مادری در رابطه مستقیم با فرزند برخوردار می‌کنیم که مباحث خاص خود را بدنبال آورده و غالباً جایگاهی خاص در کتب فقهی و حقوقی یافته‌اند.

سومین کاربرد:

استعمال لفظ (ام) در معنای مجازی یعنی (نمونه و الگوبودن او برای یک امت) در قالب اصطلاحاتی چون (امهات المؤمنین) ^(۳) است که بر زوجات الرسول اطلاق شده است. در این کاربرد قرآن کریم مقام مادری را تا سرحد سازنده یک جامعه ارتقاء می‌دهد. و با اسوه و الگو ساختن وی برای افراد کل جامعه چه زن و چه مرد در یافتن و برگرفتن خصلتهای عالی انسانی از او با بکارگیری لفظ مؤمنین در پی امهات بطور مطلق، او را (مام امت) نموده، و نقش سازندگی و زیربنایی او را روشن می‌سازد.

چهارمین کاربرد:

استعمال لفظ (ام) در معنای ویژه‌ای که انحصاراً به افرادی خاص تعلق یافته است. زنانی برگزیده و متعالی که مسؤولیت سنگین پرورش پیامبران الهی را به خواست و اراده الهی یافتند و نقش والای امومت را در حق ایشان آنگونه که به آنها ابلاغ می‌گشت ادا می‌کردند. این کاربرد خاص را در عباراتی چون (ام موسی) و (ام عیسی) و در پی آن ذکر شرح حال آنان و ویژگیهای ایشان می‌یابیم.

در این بخش ارتقاء مقام مادر تا سرحد (مهبط وحی) ^(۴) قرار گرفتن را به عینه مشاهده می‌کنیم و به بعدی دیگر از ابعاد برجسته و متعالی نقش زن به عنوان مادر دست می‌یابیم. که شاید بتوان با بررسی آیات مربوط به آن به این حقیقت دست یافت که تحمل سختیها و مصائب از سوی آن زنان درجات و پله‌هایی بشمار می‌آمده تا از آن طریق بتوانند مقامی ویژه یابند و افتخار مادری پیامبران را احراز کنند.

و مادری که پس از این باید جسم و جان پیامبر از وجود او شکل یابد و بواسطه نفخات مقدس و پاک نفس او پرورش یابد، عنداللزوم نیز بایستی مورد خطاب خداوند قرار گیرد و متشرف به لقاء ملائک گردد.

شاید بتوان ادعا کرد این معنا بطور کتایی حکایت از این واقعیت دارد که، علیرغم اینکه زن بعلت طبیعت خاصی که در نحوه آفرینش یافته نه قادر به دستیابی

۱- ارضاع: شیردادن - رضاعت: شیرخوردن - حد رضاع شرعی و شرایط آن در کتب فقهی آمده و اینکه شیردهی را می‌توان به دایه سپرد. اما در درجه اول:

«والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین» (و مادران شیردهند فرزندان را دو سال کامل) و در صورت گرفتن دایه «بحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» (حرام نمی‌شود به رضاع هر آنکه حرام می‌شود به نسب) (تفسیر شاهی رضاعت - جلد ۲)

۲- با ولایت که اختصاص به پدر و جد پدری در فقدان او دارد تفاوت دارد. زیرا حضانت فقط

حفظ و مراقبت و نگهداری است ولی ولایت تصرف و عهده‌دار شدن در کلیه حقوق اوست. حضانت مادر به طفل دختر تا ۷ سال و به پسر تا ۱۲ سال سزاوارتر است. مسائل دیگری در مباحث فقهی این موضوع مطرح گشته است از جمله: تنبی، ارث مادر، ازدواج مادر، اجر معنوی حضانت و غیره

۳- مراد از آنان زنان حضرت رسول است بدلیل آیه:

(النسبی اولی بالمؤمنین من انفسهم و ازواجه امهاتهم) (پیامبر اولان است از مؤمنین از خودشان و زنانش مادران آنان هستند. همسران حضرت نازل بمنزله مادران مؤمنان شده‌اند.)

(۶/۳۲)

۴- نزول وحی را به این مادران در چندین آیه می‌بینیم از قبیل:

الف - «اذأوحینا الی امک ما بو حی»: (وحی فرو فرستادیم بر مادرت آنچه از وحی فرو فرستاده می‌شود) (۳۸/۲۰)

ب - «وأوحینا الی ام موسی ان ارضعیه»: (وحی فرو فرستادیم بر مادر موسی که او را شیرده) (۷/۲۸)

ج - «فاتخذت من دونهم حجاباً فأرسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً»

(پس برگرفت دور از آنان پوششی و فرستادیم بسوی او روح خود را پس نمایان شد برای او مردی درست) (مریم ۱۷)

د - «قال إنما انا رسول ربک لأهب لک غلاماً زکیاً» (گفت همانا منم فرستاده پروردگار تو تا ببخشم به تو پسری پاک) (مریم ۱۹)

ذ - «والتی أحصنت فرجها فنحننا فیها من روحنا» (و آن زن که نگاه داشت فرجش را پس دیدیم در آن از روح خویش و گردانیدیم او را و

پسرش را آیتی برای جهانیان) (انبیاء: ۹۱)

به مقام نبوت است و نه امامت^(۱)، اما در جهت ایفای نقش متعالی سازندگی روحانی و جسمانی نسل بشر به مقام مادری پیامبران دست می‌یابد و به افتخار درجه پرورش دهندگی انبیاء الهی نایل می‌گردد، و در واقع بعنوان یک عامل زیربنایی در آفرینش مورد عنایت خداوند قرار گرفت تا با ایفای نقش عظیم خود بدین ترتیب او هم قدمی در راه تکمیل تعلق لطف الهی به انسان بردارد.

ب - (موارد مستنبطه از کاربرد نخست):

از بررسی دقیق و همه جانبه بخش نخست یعنی استعمال لفظ ام در معنای لغویش می‌توان به این حقیقت دست یافت که کاربرد لفظ ام در آیات با معانی مصطلح و مجازی دیگرش ریشه از وضع آن لفظ در لغت یافته است. یعنی همان معنای اساس و پایه و پوشش و در برگزیده. دقیقاً همین معنای لغویش امکان استعمال لفظ را در معنای دیگرش فراهم آورده است. معنای چون مادر زاینده بشر (ام البشر).

بکارگیری واژه ام در این معنای لغوی این حقیقت را نیز می‌تواند آشکار سازد که غایت آفرینش جنس زن صرفاً همین بوده است. و سیر تکاملی جسمانی و روحانی زن در جهت مادر شدن اوست. و اگر بخواهیم این معنا را روشنتر بیان کنیم، سخن گزافی بر زبان نرانده‌ایم اگر بگوییم «کمال زن به مادری اوست.»

مسیر رشد جسمانی و فیزیولوژی او به سمت مادر شدن است و بلوغ فکری و

معنوی او نیز در دستیابی به حالات و حس مادری است، و تنها در این صورت او به وجه «اکمل» خود دست می‌یابد.

با توجه به دوره های منفک و در عین حال متوالی حیات جسمانی و معنوی زن از طفولیت تا کهنوت می‌توان چنین نتیجه گرفت که طی کردن تمامی این مراحل نیز صرفاً در جهت یافتن حس مادری است و بلوغ و رشد و شکوفایی زن در میزان دستیابی به این حس است که نه تنها دوران مسادر شدن بعنوان یک دوره مشخص و مجزا در طول حیاتش قابل تفکیک است و بعنوان صفتی بارز و مشهود بلافاصله پس از تولد فرزند به او نسبت داده می‌شود، بلکه بعنوان یک ویژگی نهفته و جانبی و فرعی نیز در هر دوره بطور نهانی و بالقوه در او وجود دارد و کمال و تعالی او در این است که این حس نهفته و پنهان را از قوه به فعلیت رساند و در وجودش شکوفا سازد.

ج - «تطبیق مفهوم استنباط

شده بر دوره های حیاتی زن»

۱ - زن بعنوان دختر (مادر پدر)

ما ابتدا در خانه پدری او را تنها دختر بچه‌ای نیازمند و متکی و تشنه محبت والدین می‌یابیم، اما در عین حال که تمامی این نیازها در او باقی مانده‌اند بتدریج حس نو در وجودش ریشه می‌دواند.

دختر بودن او خصوصیتی است که همواره از همان ابتدای تولد تا لحظه مرگ و حتی پس از وفات او بعنوان یک نسبت

ریشه‌ای و عمیق همراه و ملازم اوست. اما کمال دختر بودن به دستیابی او به حس مادری لازم نسبت به والدین خویش است و در این مسیر آنچه که حاکم است حکم «السابقون و السابقون» است. زیرا در این مسیر برخی بر برخی پیشی می‌گیرند. و از همان سنین طفولیت این حس در آنان متبلور می‌گردد. هم از جهت کیفی گوی سبقت را از دیگران می‌ربایند و هم از نظر کمی از همان دوران طفولیت تجلی این حالات در اعمال و رفتارشان دیده می‌شود.

و برخی دیگر همراه با تداوم رشد جسمانی و عقلانی آن بتدریج با برخوردار شدن از حس مادری بطور طبیعی، و بیدار شدن حس غربیزی و فطری مادر نسبت به فرزند می‌آموزند که به دیگر افراد نیازمند به محبت و رأفت، با همین دید بسنگرند و لوازم و مقدمات آن را مهیا سازند و وجود خود را وقف دلجویی و خدمت به آنان کنند.

در همین رابطه است که بلافاصله توجه هر مخاطب اندیشمند مسلمانی به دوران کودکی بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه (س) دخت گرامی پیامبر اسلام (ص) معطوف می‌گردد که از همان سنین طفولیت حس مادری خالصانه خود را نثار پدر می‌کرد و تا لحظه وفات به

۱- استاد مطهری در کتاب حقوق زن در اسلام می‌فرماید: «اسلام در سیر من الخلق ابی الحق تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست بلکه از حق به خلق است. تحمل مسئولیت پیامبرکه مرد برای این کار مناسبتر است»

شوق تجدید دیداری فاتحانه با محبوب و مراد خود دست از حمایت و پشتیبانی وی بسرنداشت، و بهمان اندازه که دوشادوش همسر در صحنه های جهاد مقدس و مبارزه با کفر و طغیان حضور فعالی داشت و او را تحت حمایت و پوشش امن و الهی خود قرار می داد، و به همان میزان که در منزل همسر سعی و همت در فراهم آوردن کانونی گرم و فروزان در جهت رشد و پرورش فرزندان خود یعنی بنیانگذاران نسل فردای بشریت می کرد، از همان اوان کودکی نیز در کنار پدر و در رکاب ایشان به حمایت و دفاع از او و آرمانهایش می پرداخت، و از همین گذر بود که از سوی پدر ملقب به (ام ایها) گشت. دختری که در عین دختر بودن نقش مادری را به نحو اکمل در حق پدر ادا کرد و دلسوزانه و خالصانه تا آنجا که در توان داشت مستقیم و غیرمستقیم به این تکلیف عمل کرد.

در این راستا، انحصار نسل پیامبر در وجود حضرت زهرا(س) امکان ادای حق مادری و سازندگی بنیادی هر چه عمیقتری را به شخص ایشان بخشید که دیگر خواهران بنابه اقتضای الهی از آن محروم ماندند. پیرامون شگفتیهای حیات پیامبر در این رابطه سخنان بسیاری گفته شده است از جمله فقدان اولاد دکور، و انقطاع راه تداوم نسل از طریق فرزندان پسر و انحصار آن در فرزندان دختر، و حتی انقطاع آن از چهار دختر حضرت خدیجه کبری(س) به جز حضرت فاطمه(س).^(۱)

قرار دادن این قراین در کنار هم و

اشارات صحیح آیات قرآنی از جمله مسفتخر ساختن حضرت به لقب (کوثر)^(۲)، یا همان عامل کثرت و فزونی و خیر و برکت نسل و فرزند، همگی دال بر این ادعایند که ایشان در کنار برخورداری از حسن ظاهری و آشکار مادری نسبت به شخص پدر، برای ایشان بطور غیرمستقیم نیز نقش زیربنایی امومت را ایفا می کردند و به تکلیف نگاهبانی از دین و دعوت الهی و سازندگی امت محمدی اشتغال داشتند.

ایفای نقش دوم فاطمه (س) ظاهراً مادری فرزندان علی بود، اما در حقیقت پی ریزی زیربنای حافظ نسل و حیات و آرمان و پیام رسالت پدر بود.

نقش اساسی دختر علاوه بر حمایت و پشتیبانی از پدر، در شکل سازندگی خانواده ای صالح و پروراندن نسلی پویا در خدمت آینده بشریت تجلی می یابد.

کاملاً روشن و واضح است ذکر این نمونه ما را راهگشایی بود بر دستیابی به این حقیقت که این تکلیف و ویژگی و نقش در وجود ایشان منحصر نمی گردد و به شخص ایشان اختصاص نمی یابد. و هر دختری با حضور در خانه شوی خود و تربیت فرزندان صالح، نام نیک پدر خود را نیز اعتلا می بخشد و باعث تداوم و بقاء و خلود آرمانها و معیارها و فضایل شکل گرفته در دختر و انتقال داده شده به فرزندان وی می گردد.

بار دیگر شایسته است که بگوئیم
کمال زن بعنوان دختر، برخوردار
گشتن اوست از حس مادری نسبت به
والدین خود، چه با رفتار و اعمال

مستقیم خود در برابر آنان و چه با تربیت فرزندان صالح و ایفای نقش زیربنایی خود، ر نسبت دادن افتخارات نسل ساخته و برآمده بدست خود و به پدران و مادران و اجداد خویش، زیرا آنچه آنچنانکه در روایات و آیات وارد گشته است:

یکی از شفاعت کنندگان روز قیامت
فرزندان صالحی اند که به ما
منتسبند.^(۳)

و در این میان بین پدر و مادر تفاوتی قائل نگشته است، و اصولاً در زمینه مسائل اخلاقی و تربیتی تفاوتی بین نقش سازنده پدر و مادر هر دو قائل نمی شوند و خیر و شر را به یکسان به هر دو نسبت می دهند.

از آنچه که ذکر شد بطور خلاصه به این نکته می توان پی برد که در نخستین رابطه ای که مولود زن با دیگران می یابد، یعنی (دختر والدین بودن)، حس علاوه بر حس دختر بودن او را همراهی می کند که اوج و تبلور این حس در وجود

۱- ذکر سیره حضرت و دختران او و انحصار نسل در تنها دختر او یعنی فاطمه در کتب تاریخی متعددی چون کتاب «بنات النبی»: الذکوره بنت الشاطیء دیده می شود.

۲- در آیه انا أعطیناک الکوثر، فصل لربک و انحر، سوره کوثر

۳- فرزند صالح از خیرات جاریه است و پدر و مادر را دعا می کند. دعای فرزند را بر طبقهای نور می نهند و اگر قبل از والدین بمیرند آنها را شفاعت می کنند.

حضرت فاطمه (س) دیده می‌شود. حس تحت حمایت قرار دادن پدر و مادر از یکسو، و ایفای نقش سازندگی نسلی صالح و پویا از سوی دیگر، که هر دوی این حالات را حس (مام پدر) بودن نامیدیم.

۲ - زن بعنوان خواهر (مام برادر)

اما دومین رابطه‌ای که این مولود با اطرافیان خود می‌یابد، خواهر بودن اوست. آن نیز مانند دختر بودن، حسی ظاهری و ابتدایی است که بتدریج عمق می‌یابد و به شکلی مؤثر و نافذتر در وجود او متبلور می‌شود. در کنار حفظ تعلق همخونی و همشیرگی با خواهران و برادران دیگر، حس مرموز و بسیار شگفت‌انگیزی در وجود خواهررخ می‌نماید. حس تحت پوشش قرارداد و سایه گستردن و گشودن چتر حمایتی خود بر سر خواهران و برادران دیگر، حامی و پشتیبان آنان شدن، دلسوزانه و خالصانه قدم در راه تأمین نیازهای آنان برداشتن با خنده آنان خندیدن و با اشک آنان گریستن. حالاتی که می‌توان اوج آن را به همان حس مادری مادر نسبت به فرزند تشبیه کرد.

پس چنانچه با دیدی وسیع‌تر به مسأله بنگریم و نقاب ظاهری (خواهر بودن صرف) را از رخ او برفاکنیم به وضوح درمی‌یابیم که:

«کمال خواهری زن نیز در تجلی یافتن اوست به عنوان یک مادر».

حس خواهری بسیار لطیف ولی قابل درک از همان اوان طفولیت و حضور در کنار همخانه پدری، همواره در وجود زن عجین است.

کمال این احساس را در نمونه‌های والای زنان بزرگ اسلام می‌یابیم و اوج آن را در وجود بانوی گرامی کربلا، زینب کبری ملاحظه می‌کنیم.

حضور ایشان در کنار سرور و سالار شهیدان مسلماً ناشی از یک چنین حسی بوده است. بی شک همراهی با امام و حضور وی در صحنه نبرد حق علیه باطل ریشه در باورها و اعتقادات و احساس والای ایشان نسبت به تکلیف الهی و پذیرش اصل ولایت و امامت داشته است.

لیکن می‌توان علت دیگر نیز برای آن ذکر کرد و آن به اوج رسیدن حس پشتیبانی برادر و خاندان و آرمان و دین و اعتقادات او بوده است. پر واضح است چنانچه توافقی در دیدگاه و نگرشهای آن دو وجود نمی‌داشت به حضور فعال خواهر در کنار برادر نمی‌انجامید.

حضور غمبار و سرشار از اندوه یک خواهر که هم اکنون برای او جای مادر را یافته و مام و پشتیبان خاندان او گشته است. او در کنار توجه به لزوم حضور در این نبرد، توانست وظیفه خود را به عنوان وارث و محافظ آرمان پدر و برادر و یارانشان به شایستگی انجام دهد. و از این ودیعه الهی در مقابل تجاوزگران به حقوق آنان و مسخ کنندگان حقایق محافظت کند.

در لابلای سخنان ایشان در خطبه‌ها و سخنرانی‌های غرایشان این حقایق

بخوبی آشکار است.^(۱)

۳ - زن به عنوان همسر (مام شوهر)

در بخش سوم قصد داریم که به سومین رابطه‌ای که زن می‌تواند با اطرافیان برقرار کند اشاره کنیم. یعنی رابطه زوجیت و رسیدن به مرحله (همسرشدن).

در این مرحله قصد داریم مانند دو بخش گذشته این واقعیت را نیز استنباط کرده و اثبات کنیم که کمال زن به عنوان همسر نیز در دستیابی اوست به حسی عجیب و ناشناخته و غیرقابل مشاهده اما قابل درک و احساس یعنی حس مادری نسبت به شوی خویش.

در این مقام نیز زن با ایجاد خانواده‌ای سالم و مهیا ساختن فضایی آکنده از ایمان، پروراندن فرزندی صالح، تأیید و تقویت شویی سازنده و مصلح، مسبب فراهم آوردن کانونی منزه و پاک و مهذب است که عامل سکینه و آرامش خاطر شوی خود می‌گردد.^(۲)

۱- شاعر عرب در مدح ایشان ابیانی چنین سروده است که:

حاکبیت شمس الضحی والیدر مکتلا

أباً و امأ و كان الفضل للحاکی

ابوک حیدرة والام فاطمة

والجد احمد والنسبطان ضواک

(الاخلاق الاسلامیة حقوق المرأة)

۲- (هن لیاس لکم و انتم لیاس لهن) (۱۸۷/۲)

(آن زنان و همسران پوشش و پوشاک شما بپوشند و

شما پوشش آنها)

همسر از دو طریق به ایفای نقش سازندگی و زیربنایی خود دست می‌زند. یکی بی‌واسطه در داخل خانواده و در رابطه مستقیم با شوهر و دیگری با واسطه و غیر مستقیم با گسیل داشتن مردی مصلح و مفید و مهذب به جامعه و یا فرزندان‌ش شایسته و نیک سیرتی که بدست خود تربیت کرده است. (۱)

۴- زن به عنوان مادر طفل (مادر فرزند)

نقش دیگر زن بعنوان مادر فرزندان بسیار واضح است. این تکلیف نیز به میزان دستیابی هر چه بیشتر و عمیقتر او نسبت به این حس و انجام وظایفی خاص و ارائه خدمات لازم در جهت رشد جسمانی و شکوفایی معنوی فرزندان و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه آنان در جهت کمال و تعالی به نحو احسن انجام می‌یابد.

والاً مادر بودن به این معنا نیز درجات ضعف و شدت دارد و به نسبت رسوخ یافتن این حس در عمق جان و روان زن نسبت به مولود نو رسیده، شدت یافته و بصورت حالات و سکناات برجسته و ممتازی نمایان می‌گردد.

در این مقام است که او فضیلت حمل فرزند را می‌یابد (۲) و از شیرۀ وجودی خود، او را سیراب می‌سازد. و پس از وضع، حق‌ارضاع (۳) رایافته و با این عمل دلبستگی لازم را میان خود و فرزند مهیا می‌سازد تا در سنین بالاتر آموزشی و پرورشی زمینه تأثیرپذیری و امکان نفوذ در روح و روان او را بیابد، و فرزندی شایسته

و مهذب را به خدمت جامعه در آورد. آنچه که ذکر شد در واقع اشاره‌ای بود به کاربرد لفظ دوم (ام در قرآن) یعنی (ام) و (والده) و (زاینده بشر) که مسلماً در مباحث آینده بتفصیل به حقوق و تکالیفی که در این رابطه به زن تعلق می‌یابد اشاره خواهیم کرد و به تحلیل و بحث و بررسی آن خواهیم پرداخت.

۵- زن در جامعه (مادر امت)

پس از رشد یافتن نسبی فرزندان از لحاظ جسمی و محدودتر شدن نیازشان به مراقبت و حضور مستقیم و نزدیک مادر کنار آنان، بتدریج مسؤولیت داخلی زن در داخل خانه تقلیل یافته و فرصت حضور در محیطی خارج از خانه را می‌یابد. از این پس نقش سازندگی محدود او که تاکنون تنها به منتسبین مستقیم او یعنی شوهر و فرزندان اختصاص می‌یافت، به عرصه وسیعتر یعنی جامعه و شاید گسترده تر از آن به پهنه بشریت تعمیم می‌یابد.

زن در جامعه، حضوری شایسته می‌یابد و به عنوان مادر جامعه و سازنده امت، چهره‌ای نو به خود گرفته و ادای وظیفه نوینی را مستعد می‌گردد. در این مرحله است که زن حضوری مستقیم در جامعه می‌یابد و از این پس نقش سازندگی خود را بی‌واسطه ایفا می‌کند.

همین مقطع وجودی او اشاره به همین نقش حیاتی و بنیانی اوست که در آیات الهی از برخی از زنان با عنوان (امهات المؤمنین) (۴) یا (مادران مؤمنان)

۱- نمونه والای ابن حقیقت را در نقش آفرینی حضرت خدیجه در خانه پیامبر (ص) می‌یابیم که پیامبر در وصف آن حضرت می‌فرماید:

«بهنتر از او نصیب نشده است او هنگامی به من ایمان آورد که تمام مردم کافر بودند و زمانی مرا تصدیق کرد که همگان مرا تکذیب می‌کردند. در دورانی ثروت خود را در اختیار من گذاشت که دیگران مرا محروم ساختند.»

(مجموعه زنان قهرمان، دکتر بهشتی، جلد ۱، صص ۱۹-۷)

و آیه (و جدک عائلاً فأغنی ...) اشاره به همین مطلب دارد.

۲- از خصال خوب زن آسان زا و بکر بودن است. (محجۀ البیضاء، فیض)

(زن زشتی که زاینده باشد بهتر از زن نیکویی است که عقیم باشد.)

(زن هنگام حمل تا وضع حمل مانند به خون غرقه در راه خداست) مطالب ۸۴/۲

۳- والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین (اخبارات از شیردادن دو سال تمام بحکم قرآن و بر دوران نفقه و هزینه شیر دادن مادران، اثبات اولویت است نه وجوب. و قدر مشترک است

بین وجوب و ندب

مراد از حولین: ۲۴ ماه است

لمن اراد: شیردادن مادران جهت پدران است

روایات از اهل بیت آمده است که اکتفا به کمتر از ۲۱ ماه جور است بر طفل

(تفسیر شاهی - ارضاع - جلد ۲)

۴- مراد از آنان زنان حضرت رسول‌اند. مراد از این تنزیل چنانکه شیعه و سنی تصریح کرده‌اند حرمت تزویج است مثل مادران حقیقی. ولی آنها به مؤمنین محرم نیستند، نگاه کردن به آنها جایز نیست، میان آنها و مؤمنین توارث نیست و

یاد شده است. روشن است که در اینجا انتساب امهات به مؤمنان به دلیل وجود رابطه‌ای خونی و نسبی نیست بلکه از موقعیت و مقام و درجه آن زنان نسبت به آنان ناشی گشته است. زنانی که در جامعه نقش زیربنایی دارند زاینده و معلم و مربی‌اند. دقیقاً موقعیتی را که هر مادری در درجات بالای مقامی نسبت به فرزند خویش می‌یابد، نسبت به افراد جامعه می‌یابد. این زنان در مقابل افراد جامعه‌ای قرار می‌گیرند که اگر آنان مولود تزکیه و تعلیم یافته دست‌آنان باشند از مؤمنان بشمار آمده و آن زنان در برابر آنان همان شأن و منزلت را خواهند یافت.

امهات المؤمنین لقبی است که خداوند به زوجات الرسول عطا کرده است. تا بدلیل تقریبشان به پیامبر و مطلع بودنشان از مفاهیم و مضامین صحیح آیات و آشنا بودن به سنت پیامبر، سرمشق و اسوه‌ای حسنه برای مومنان گردند. (۱) نیز پرورش امت مؤمنه مسلمان به دست آنان انجام گیرد.

د - «زن مهبط وحی» (مام بشریت)

در این مرحله از گفتار می‌توانیم به عرصه‌ای جدید از بحث وارد شویم یعنی توجه به استعمال لفظ (ام) به عنوان (مهبط وحی الهی) قرار گرفتن و دست به آفرینشی نو زدن، متفاوت از آنچه که تاکنون بدان اشاره شد. آفرینشی متفاوت از آن جهت که در این وادی همواره هدایت و فرمان و خواست خداوند دخالت مستقیم دارد و به سرانگشت اوست که

حوادث آینده شکل می‌گیرند و به زبان اوست که برگزیدگان خاص خداوند پرورش می‌یابند.

زن در اینجا پرورش دهنده‌ی هدایتگران آینده بشریت می‌شود، و برای موفقیت در این تکلیف ارتباط مستقیم با پروردگار اعظم می‌یابد و مخاطب وحی گشته و به این افتخار دست می‌یابد. که مسلماً اگر ادای چنین نقش و وظیفه‌ای بر او واجب نمی‌گشت به احراز چنین مقامی نیز دست نمی‌یافت. (۲)

و آیا جز این است که ارتقاء به مقام مادری خود ارزشی والا است، و مادر پیامبران گشتن ارزشی والا تر، پس راه ارتقاء به این مقام والا تر، ارتباط مستقیم با خداوند بوده است و اگر این ارتقاء مورد نظر نمی‌بود، ارتباطی برقرار نمی‌شد. (۳) پس مادر شدن تابع‌دی ارزش می‌یابد که موجب ارتباط یافتن با خدا می‌شود و مادر پیامبران بشریت گشتن تا بحدی فضیلت می‌یابد که مهبط وحی واقع می‌شود. پس مادر شدن و سازندگی کمالیست که در آفرینش بشریت نیز مورد توجه قرار

گرفته تا آنجا که خداوند خود مستقیماً او را در جهت این سازندگی و پروراندن یاری می‌کند.

هـ «تقسیماتی براساس آنچه اقتباس گردیده است»

با توجه به دریافت نقش اساسی زن یعنی سازندگی او در دو جنبه متفاوت مادی و معنوی می‌توان نقشها و وظایف و حقوق متفاوت او را که در این رابطه

بطور پراکنده و در زمینه‌های گوناگون مطرح شده است بطور دقیق مورد بررسی قرار داد و پاسخ این سوال را جستجو کرد که آیا قوانین بشری به تنهایی توانسته‌اند مقام زن را دریابند و زمینه‌ی دستیابی او را به کمالی که طبیعتاً و فطرتاً برای رسیدن به آن آفریده شده است مهیا سازند یا اینکه در این مسیر ناتوان مانده و زبانی قاصر و عاجز داشته‌اند. یا به سهو و یا به

دخترانشان بر مؤمنان حرام نیستند.

«ولان تنكحوا ازواجه من بعده ابدأ» .

(احزاب: ۵۳)

۱- در آیات ۳۳ و ۵۹ سوره احزاب با عنوان (یا نساء النبی - و یا ایها النبی قبل لازواجک ... به نمونه و اسوه بودن آنها اشاره می‌شود)

- امهات المؤمنین لقبی است که پیامبر به زبان قرآن به زنان خود داد که به ۱۱ نفر اختصاص داشت ۶ نفر قریشی ۴ نفر عرب. زنانی مانند:

ام سلمه: نقش آفرینی چشمگیر او باحضرت زهرا(س)، عثمان، عمر، علی و عایشه

بعنوان نمونه می‌توانند به نصایح ام سلمه هنگام شورش مردم بر علیه عثمان اشاره داشت. و

زینب بنت خزیمه ملقب به ام المساکین

۲- آیات ذکر شده در باب وحی به ام موسی و عیسی

۳- کار مادر عیسی به آنجا کشیده شده بود که

در محراب عبادت همواره ملائکه با او سخن می‌گفتند، و گفت و شنود می‌کردند از غیب برای او روزی می‌رسید. کارش از لحاظ مقامات

معنوی آنقدر بالا گرفته بود که پیغمبر زمانش را در حیرت برده او را پشت سرگذاشته بود. زکریا

در مقابل مریم مات و مبهوت مانده بود.

(نظام حقوق زن، مطهری، ص ۱۱۷)

به اجرا در آمده‌اند، و در نتیجه امکان تعالی زن را آنچنان که لازمه طبیعت و فطرت و آفرینش او بوده است فراهم نیاورده‌اند. و در این مقام آیا قوانین الهی، توحیدی و بالخصوص اسلامی توانسته‌اند در این حرکت و جهش او را یاری نمایند و یا بالعکس آنها هم سدّی بر سر راه او شده‌اند.

در این جهت ابتدا لازم است نقش سازندگی او را در دو مقوله مادی و معنوی (یعنی پرورش جسمانی فرزند و پرورش روحانی دیگران) برشمریم، سپس به تشریح هر یک بپردازیم و ذیل هر یک از مباحث تحلیل نماییم که چگونه قوانین بشری در پاسخگویی به این نیازها از ادای وظیفه بازمانده‌اند و در مقابل تنها قوانین اسلامی از میان ادیان توحیدی الهی و غیرالهی زمینه را در جهت شکوفایی زن و رساندن او به اوج کمال خود مهیا ساخته است.

ذیلاً به ایفای دو نقش مادی و معنوی زن در خانواده، جامعه و جهان آفرینش اشاره می‌کنیم تا این مقدمه راهگشای شرح و بسط مطالب در فصول آینده گردد. ایفای نقش سازندگی زن در دو زمینه انجام می‌پذیرد:

سازندگی مادی که بخش دوم بحث و سازندگی معنوی که بخش سوم را تشکیل می‌دهند.

بخش دوم: «سازندگی مادر»:

زاییدن مولودی که در معنای دوم (ام) در قرآن از آن یاد شده است و انجام تکالیف محوّله شامل انجام وظایف محوّله‌ای که در معنای دوم (معنای رایج و

متبادر به ذهن مادر) در قرآن از آنها یاد شده است. و ما در بخش دوم به آن اشاره خواهیم کرد مانند:

۱ - حق حمل جنین به مدت ۹ ماه (مدت حمل)

۲ - حق ارضاع و شیردهی کودک

۳ - حق حضانت و آموزش و پرورش کودک تا سن بلوغ

۴ - اداره امور خانه و مهیا ساختن شرایط داخلی خانه جهت رشد و شکوفایی افراد در آن

بخش سوم: «سازندگی معنوی»:

انجام اموری که از کاربرد اولیه لفظ ام یعنی اساس و پایه به دست آمد شامل:

۱ - مام پدر شدن: ایفای وظایف خدمت به والدین بعنوان یک وظیفه الهی در حد توحید و پرستش خداوند، با استناد به حکم و جوبی آن و رساندن آن شکل از احترام به حدّ در پناه و پشتیبانی خود قرار دادن آنها.

۲ - مام برادر شدن: ایفای وظایف خواهری در حد اعلی مانند آنچه در رفتار حضرت زینب (س) و گروه برجسته‌ای از زنان صحابه پیامبر دیده می‌شود و به همان جهت ملقب شدن ایشان به (اخوات المؤمنین)

۳ - مام شوهر شدن: به لحاظ یافتن ویژگیهایی چون (سکینه) و (لباس) مانند حضرت فاطمه (ع) در کنار علی (ع) و خدیجه (س) در کنار پیامبر (ص)

۴ - مام جامعه شدن: دستیابی به مقام نمونه و الگو بودن برای دیگر زنان و ایفای وظایف اجتماعی سازنده و پی‌ریزی بنیانهای جامعه با توجه به لقب

(امهات المؤمنین) گرفتن زنان پیامبر و (ام المساکین) گرفتن یکی از آنان.

بخش چهارم: «سازندگی معنوی و مادر الهی»:

مهبط وحی قرار گرفتن طبق فرمان الهی، به وظیفه مادری عمل کردن در نظر گرفتن شخصیت والا و برجستگیهای متمایز زنانی که به این اوصاف خواننده شده‌اند.

بخش پنجم: «شعراة ارجاهلیت تا عصر حاضر»

و - خاتمه بخش نخست:

با تقسیم بندی جامعی که هم اکنون از کل طرح ارائه نمودیم، سیر بحث کاملاً مشخص شده، و راه تحقیق روشن و معین می‌گردد. بنحوی که از این پس سعی ما براین خواهد بود که تک تک موارد را همراه با ویژگیها، نقشها، حقوق و وظایفی که این دین الهی برای زن قائل گشته در ابتدا ذکر کرده و سپس بررسی نماییم که آیا تناسبی با اقتضای طبیعت و نهاد و آفرینش فطری او و کل بشر و هستی دارد یا خیر؟

اگر پاسخ مثبت است که مسلماً اینچنین خواهد بود، پس استدلال ما موقوف به اثبات این حقیقت خواهد گشت که تنها اسلام است که قادر به پاسخگویی به نیازهای فطری نه تنها زن بلکه کل بشریت و حتی جهان هستی دارد. و هیچ قانون بشری و هیچ دین تحریف یافته الهی قادر به ارتقاء بخشیدن و فراهم آوردن مسیر رشد و شکوفایی زنان و در نهایت کل جامعه نمی‌باشد.